



درباره روند دوبله آثار در تلویزیون

## صداهایی از جنس ابریشم

این جهان می‌رود و از این جهت شاید دوبله هنری بی‌نظیر و بی‌همتا در میان هنرهای مدرن و شکل گرفته در قرن بیستم باشد؛ هنری که در طول سال‌های گذشته اوج و فرودهای بسیاری داشته و این روزها بیش از هر زمانی سایه سنگین تجاری شدن و تولید انبوه را روی خود احساس می‌کند.

ممکن است صدایی به این زیبایی از حنجره یک انسان خارج شود؟! حسی که بسیاری از ما در مواجهه با دوبله‌های بزرگ داریم و شاید تمام راز دوبله در ایران همین باشد. صداهایی جاودان و بی‌نظیر که با خاموشی هر کدام از آنها انگار قسمت مهمی از خاطرات کودکی تاکنون و حافظه شنیداری ما هم از

دوست خبرنگاری تعریف می‌کرد برای مصاحبه با یکی از دوبله‌های بزرگ ایران به منزل ایشان می‌رود. این دوست حدود ۱۵ دقیقه بعد از مصاحبه متوجه می‌شود هیچ یادداشتی بر نداشته و در تمام مدت محو و میخکوب به دهان این استاد بزرگ خبره شده و این سوال را از خود می‌پرسیده که چگونه

فیلمسازی فرسوده کشور هم آرام آرام به روز می‌شود. یکی از اثرات این امکان، ورود تجهیزات صدابرداری است که فیلمسازان ایرانی را به صدابرداری سر صحنه ترغیب می‌کند و دوبله در فیلم‌های ایرانی جایش را به صدای اصلی بازیگران می‌دهد. روشی که در ابتدا مقاومت‌هایی در مقابل آن وجود دارد چرا که تا پیش از این می‌شد بسیاری از تیپ‌ها و اشتباهات کلامی را در دوبله اصلاح کرد اما در صدابرداری سر صحنه این امکان وجود ندارد و بسیار کار دقیق‌تر و سخت‌تر می‌شود. به‌عنوان نمونه در فیلم «دو فیلم با یک بلیت» ساخته داریوش فرهنگ سکانسی وجود دارد که مهدی هاشمی هنگامی که در نقش بدل بازیگر اصلی (پیمان) - که این نقش را هم خود او بازی می‌کند - در حین ایفای نقش هیجان زده می‌شود و دیالوگ‌ها را آن طور که می‌خواهد مانند فیلم‌های اکشن تجاری می‌گوید، دستیار کارگردان با نگرانی به کارگردان می‌گوید «داره از خودش جمله می‌گه» و کارگردان می‌گوید «عیبی نداره تو دوبله درستش می‌کنیم!»

این در حقیقت آخرین سال‌های حضور دوبله در فیلم‌های ایرانی است که چند نمونه درخشان دیگر هم دارد. مجموعه تلویزیونی پدرسالار به کارگردانی زنده‌یاد اکبر خواجه‌پوری و پهلوانان نمی‌میرند به کارگردانی حسن فتحی که بازیگران بنامی هم در آنها حضور دارند، اما فیلمسازان و احتمالاً مجموعه تلویزیون به این نتیجه می‌رسند که این آثار دوبله شوند. دوبله‌هایی ماندگار که صدای زنده‌یاد احمد رسول‌زاده به جای پدر خانواده در مجموعه پدرسالار هنوز هم شنیدنی است.

دوبله تلویزیونی در دهه ۷۰ و با توجه به شرایط جدید به سمت سریال‌های خارجی حرکت می‌کند. در این روزگار و با توجه به تأسیس شبکه سه و برنامه مدیریت تلویزیون برای افزودن شبکه‌های دیگر، سریال‌های خارجی منبع

با آن که در این سال‌ها در سینما و تلویزیون دیگر استفاده نمی‌شود اما باعث خلق یک نوستالژی ماندگار شده است. دهه ۶۰ سال‌های انیمیشن‌ها و سریال‌های خارجی ماندگاری است که همگی دوبله‌ای استثنایی دارند. آثاری مانند لبه تاریکی، راه قدس، ارتش سری، سال‌های دور از خانه و داستان زندگی که می‌توان لقب شاهکار دوبله روی آنها نهاد. روزهایی که صدای جلال مقامی روی رونالد کریون با بازی باب پک، زنده‌یاد حسین عرفانی روی داریوس جبرگ با بازی جو دان بیکر، ایرج رضایی بر روی آبر فواره، زهره شکوفنده بر روی مونیک دوشان، مریم شیرزاد روی اوشین و مینو غزنوی روی هانیکو نماد دوبله این سال‌ها محسوب می‌شوند و البته نکته مهم درباره این آثار زمان طولانی و وقت بسیاری است که برای ترجمه، صداگذاری و دوبله آنها صرف می‌شود. دوره‌ای که مدیریت دوبلاژ برای آثار تلویزیونی بسیار مهم است و از همه اینها مهم‌تر برای گوینده هر نقش به تمام ویژگی‌های کاراکتر درون فیلم دقت می‌شود. همین نکته باعث می‌شود اجراهایی خارق‌العاده مانند کاری که ناصر طهماسب روی نقش فرمانده کسلر و زنده‌یاد عطاء... کاملی روی نقش سرگرد راینه‌هات انجام می‌دهند، رخ دهد. متولی دوبله در این سال‌ها برخلاف سال‌های پیش از انقلاب واحد دوبلاژ تلویزیون است و بسیاری از مردم تصویر واقعی بسیاری از دوبله‌ها را مانند امروز ندیده‌اند و صداهای درون فیلم‌ها همانند یک راز می‌ماند؛ رازی که ای کاش همیشه باقی می‌ماند.

### بوم‌ها آرام آرام می‌آیند!

دهه ۷۰ دهه سال‌های ورود تکنولوژی به سینما و تلویزیون ایران و در مقیاس وسیع‌تر جهان است. در این سال‌ها و با پایان جنگ منابع مالی بیشتری برای ورود تکنولوژی به کشور وجود دارد و در این میان تجهیزات

که به‌طور مشخص از دوبله استفاده می‌کند. نکته مهم اما تفاوت دوبله‌های تلویزیونی در سال‌های این دهه با دهه‌های پس از آن است و به یک نکته مهم و تکنیکی بازمی‌گردد. در دوبله این سال‌ها برای صداهای جانبی هر صحنه مانند راه رفتن یا باز و بسته شدن در و امثال این هم یک صداگذاری مشخص و جداگانه اتفاق می‌افتد و به عبارتی افکت‌های هر کار از ابتدا توسط صداگذار ایرانی دوباره ساخته و به کار اضافه می‌شود. کاری که در دهه‌های بعد و با رشد تکنولوژی در ابتدا حذف و پس از آن هم از صداهای اصلی هر کار استفاده می‌شود. این روش باعث می‌شود ما با آثاری روبه‌رو باشیم که قسمت‌های صدا و حتی دیالوگ‌ها با خلاقیت‌های هنرمندان ایرانی بازسازی شود. کاری که در دهه ۶۰ و با توجه به محدودیت‌های مالی و تکنولوژیک به داد تلویزیون می‌رسد. در این دوران اتفاقات فوق‌العاده‌ای می‌افتد که این روزها یک رویا به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال زنده‌یاد مرتضی احمدی نقل می‌کند کارتون پینوکیو بدون باند صدا و متن دیالوگ‌ها برای دوبلاژ به آنها داده می‌شود و تمام دیالوگ‌ها در حقیقت در ایران و متناسب با تصاویر و داستان هر قسمت از ابتدا نوشته می‌شود و تبدیل به شاهکاری بی‌بدیل می‌شود که هنوز هم می‌توان با لذت آن را تماشا کرد.

دوبله سهم مهمی در کنداکتور دو شبکه تلویزیونی در آن سال‌ها دارد؛ سهمی که چندان دیده نمی‌شود اما بدون آن بسیاری از اتفاقات غیرممکن است. در این دوره سریالی عظیم مانند هزارستان ساخته زنده‌یاد علی حاتمی تماماً از دوبله استفاده می‌کند. این اتفاق نخست به دلیل دیالوگ‌های خاص این سریال و دوم به اعتقاد کارگردان در استفاده از دوبله برای اجرای درست این دیالوگ‌ها بازمی‌گردد، به گونه‌ای که حتی در سینما هم حاتمی به همین شیوه فیلم‌هایش را می‌سازد؛ شیوه‌ای که

### بهرنگ ملک‌محمدی

#### صداهایی از جنس مهربانی

دهه ۶۰ سال‌های درخشان و تکرارنشده دوبله در ایران است؛ دوبله‌ای که چند دهه قبل از آن و برای فیلم‌های سینمایی از ایتالیا شروع می‌کند به ناگاه با یک جهش تاریخی اعجاب‌انگیز، استعدادهایی را کشف می‌کند که تا همین امروز هم ستون‌های اصلی دوبله در ایران محسوب می‌شوند. استعدادهایی که ابتدا به ساکن با سینما آغاز و آرام آرام به سمت تلویزیون حرکت می‌کنند. دهه ۶۰ در حقیقت سال‌های پختگی آنهاست و این نکته را می‌توان در آثار عموماً خارجی این دهه که از تلویزیون پخش می‌شود به وضوح مشاهده کرد. آثاری که بدون تردید و با شکل زیرنویس نمی‌توانستند هیچ‌کدام از خاطراتی را که اکنون از آنها داریم برایمان به وجود بیاورند و دوبله نقش اصلی را در شکل‌گیری نوستالژی معروف دهه ۶۰ دارد.

سریال‌های این دهه از دو جنس است. این تقسیم‌بندی به شکل مشخص به شیوه‌های ساخت و شیوه صدابرداری سر صحنه یا دوبله آنها بازمی‌گردد. در گروه اول آثاری مانند مجموعه امیرکبیر، سلطان و شبان و مانند اینها وجود دارد که از صدابرداری سر صحنه استفاده می‌کنند و این در حالی است که به‌صورت موازی در سینما از دوبله در اکثر اوقات استفاده می‌شود و فقط فیلم‌های خاصی از صدابرداری سر صحنه استفاده می‌کنند. این که این مجموعه‌ها چرا از صدای سر صحنه استفاده می‌کنند به شیوه ساخت آنها بازمی‌گردد که تابع یک شیوه تولیدی استودیویی با لوکیشن‌های محدود است. در همین سال‌ها و در تلویزیون اما آثاری وجود دارد